

نگاه **علی احمدی‌فرهانی**؛ تاریخ پژوه

«ظلم‌ستیزی پدر» در آینه روایت‌های فرزند

## برای زندان رفتن هماره وسایل خود را آماده داشتا

زنده‌یاد آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، عمدتا به کرنش‌ناپذیری در برابر استبداد و استعمار شناخته می‌شود. کارنامه ۴دهه تکاپوی روشنگر و مداوم وی نیز شهادی بر این مدعاست. در خاطرات بی‌امده سیدمهدی طالقانی فرزند آیت‌الله، می‌گوید تا جنبه‌هایی از این مقوله را در کردار پدر بازنمایاند. او در پاسخ به اینکه کدامین خصلت از آیت‌الله را بر جسته قلمداد می‌کنید، می‌گوید: «این سؤال، بارها از من شده و من به تناسب شرایط و موقعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه، به آن پاسخ داده‌ام. الان به شما می‌گویم؛ شجاعت و بی‌باکی‌من غالباً در کنار پدر بودم (البته موقعی که در زندان نبودند، چون بخش زیادی از عمر ایشان در زندان گذشت) و می‌دیدید که از هیچ کسی جز خدا نمی‌ترسند. برایتان خاطره‌های بگویم. آن روزها، رسم بود که وقتی شخصیتهی خارجی به ایران می‌آمد، خیابان‌ها را می‌بستند و مردم را به زور، در دو طرف خیابان نگه‌می‌داشتند! اما ایشان اعتنایی به این مسائل نمی‌کردند و به‌اصطلاح فرق را می‌شکستند و می‌گفتند: یک کسی می‌خواهد بیاید، شما چرا مردم را اسیر می‌کنید؟ ایشان همین رفتار را در برابر عوامل رژیم گذشته هم داشتند. قدیمی‌ترین خاطره‌ای که پدر از مواجهه خود با رژیم پهلوی برایتان تعریف می‌کردند، این بود که در همان سال‌های اولی که به تهران آمدند (سال ۱۳۱۷)، مأموری در گولبندک تهران جلو می‌آید و می‌گوید: اشخ! جواز عمل‌مات کو؟ پدر می‌گوید: اولاً که من شیخ نیستم و سیدهستم... مأمور می‌گوید: فرقی ندارد! و پدر هم عصبانی می‌شوند و سسلی محکی به او می‌زنند و از سر بند همین مسئله، مدتی به زندان می‌افتند! سراسر زندگی پدر، شهادی بر این مدعا بود. ایشان را در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۴ زندان آزاد کردند تا ببینند به چه فعالیت‌هایی دست خواهند زد، تا با مستمسکی قوی‌تر، دوباره بازداشت‌شان کنند. پدر در آن ایام، به‌روستایی در نزدیکی لوسان می‌رود و در آنجا دستگیر می‌شود و بعد هم ماجرای برگزاری دادگاه نظامی برای ایشان و دوستانشان پیش آمد. البته پدر این دادگاه را قبول نداشت و برای همین، نه صحبت و نه دفاعی کرد! در دادگاه، ایشان با عمدا چرت می‌زد، یا خود را به کار دیگری مشغول می‌کرد تا رؤسا بر گزار کنندگان آن را تحقیر کند! دادگاه هم (البته در مرحله اول) در عشرت‌آباد بود، که محوطه وسیعی داشت و کسانی که در ایام نوروز برای ملاقات با پدر می‌رفتند، از ایشان عیدی هم می‌گرفتند. ایشان به هر نحو ممکن سعی می‌کرد جو فشار و اختناق را که رژیم حاکم کرده بود، بشکنند...»



## سیدمهدی طالقانی: «ساواک در مورد شخص پدر، مسجد هدایت و افرادی که به آنجا رفت‌وآمد داشتند، حساسیت ویژه‌ای داشت و هر چند وقت یک‌بار، مسجد را به بهانه‌ای می‌بست و ایشان را دستگیر می‌کرد! به طوری که پدر همیشه یک ساک آماده برای رفتن به زندان داشتند و اعضای خانواده ایشان هم به این وضعیت کاملا عادت کرده بودند...»

آیت‌الله طالقانی حساسیت بر استبداد داخلی را با نفی استعمار خارجی همسان کرده بود و به هر دو توجه داشت. سیدمهدی طالقانی در باب توجه حمایت‌آمیز پدر به نهضت‌های آزادپیشینی می‌گوید: «پدر همیشه می‌فکند؛ اسباب سرشکستگی است که رژیم شاه با اسرائیل روابط حسنه دارد. ایشان بارها در انجمن اسلامی مهندسیین و جاهای دیگر، طی سخنرانی‌های، خطر هیونیسم را تذکر می‌دادند. این سخنرانی‌ها بعد، در جزوه‌ای به نام چهارده شهادت منتشر شد. در سال ۱۳۴۸، ایشان پس از خواندن خطبه عید فطر، فطره‌ی خود را به آوارگان فلسطینی اختصاص دادند و دیگر حاضران نیز به ایشان تاسی کردند. در سال ۱۳۴۹ هم، باز این اقدام ادامه پیدا کرد و تلاش شد که وجوه گردآوری‌شده از طریق سفارت مصر به‌دست مردم فلسطین برسد!اماد عید فطر سال ۱۳۵۰، مأمورین حتی اجازه ندادند ایشان از خانه بیرون برود! هنگامی که الجزایر به استقلال رسید، پدر در مسجد هدایت جشن مفصلی گرفتند که نماینده این کشور، اسباب شرکت کرد. در سال ۱۳۴۹ برای فوت جمال عبدالناصر، مجلس ختمی در مسجد هدایت برگزار شد که یکی از موارد توییح ایشان توسط برخی، همین اقدام بود. همچنین تنها روحانی که در مجلس ختم مرحوم تختی شرکت کرد، ایشان بود. علاوه بر این زمانی که هواری بومدین، رئیس جمهور فقید الجزایر در گذشت، برای او در مسجد هدایت مجلس ختمی برگزار کردند. در آن دوره رفتارهایی از این قبیل، از سوی هیچ روحانی دیگری صورت نمی‌گرفت و خاص خود ایشان بود. به همین دلیل هم رژیم روی شخص پدر، مسجد هدایت و افرادی که به آنجا رفت‌وآمد داشتند، حساسیت ویژه‌ای داشت و هر چند وقت یکبار، مسجد را به بهانه‌ای می‌بست و ایشان را دستگیر می‌کرد. به طوری که پدر همیشه یک ساک آماده برای رفتن به زندان داشتند و ما هم به این وضعیت کاملا عادت کرده بودیم...»

## تاریخ



«صوت تقطیع شده آیت‌الله سیدمحمود طالقانی درباره وقایع نهضت ملی، اشاره‌ها و نکته‌ها»

در گفت و گو با دکتر موسی فقیه حقانی

# تحریف تاریخ، به مثابه ابزار جنگ نرم

اتفاقاً من به همین دلیل، بار دیگر فایل صوتی کامل آیت‌الله طالقانی را گوش دادم. ایشان در آن سخنرانی اشاره می‌کنند که ۲عامل بزرگ سبب شد که نهضت ملی شدن صنعت نفت شکست بخورد. یکی از این ۲ عامل، اختلاف‌افکنی بین رهبران نهضت بود. آیت‌الله طالقانی می‌گویند: من رفتم پیش آیت‌الله کاشانی، ایشان کلی ظرف خربزه در دست داشت و برای من آورد. به ایشان گفتم: اقلاً مطالب باشی، دارن ذر پز پیتان پوست خربزه می‌گذارند و آیت‌الله کاشانی جواب دادند: نه، خیالتان راحت باشه، مراقب هستم!

سپس آیت‌الله طالقانی به اطرافیان آیت‌الله کاشانی اشاره می‌کنند که اشاره درستی هم هست، واقعا بعضی از اطرافیان ایشان اگر نگویم با سروسوی‌های بیگانه‌ه در ارتباط بودند - که ظاهرش برخی بودند - آتش‌پیار معرکه بودند! در اطراف دکتر مصدق از این آدم‌ها زیاد بودند. آقای طالقانی در ادامه سخنانشان به این نکته اشاره می‌کنند که اطرافیان دکتر مصدق، خودشان را رهبر حساب می‌کردند و او را به‌حساب نمی‌آوردند و عملاً داشتند زیر آب مصدق را می‌زدند! آیت‌الله طالقانی اشاره به‌سخنرانی نیز به نقش فدائیان‌اسلام در برداشتن مواضع از مسیر نهضت ملی دارند که در کلبیی که بخش شده به کلی حذف شده است! اینگونه رفتارها بس زشت و غیراخلاقی است.

ارائه چنین تحلیلی در آغاز عمر نظام اسلامی، هوشمندی فراوانی می‌طلبد که باید آن را در موقعیت زمانی خود ستجدید و از تقطیع و تحریف آن در ۴۳سال بعد پرهیز کرد. به‌نظر شما از چه روی ایشان در آن دوره به خوانش رویدادهای نهضت ملی دست زدند؟

همینطور است. به‌نظر من آیت‌الله طالقانی یکی از گوهرهای درخشانی بودند که مساً خیلی زود از دست‌شان دادیم. ایشان با بینش بالا و هوشمندی زیاد در سال ۱۵۷۱حرف‌ها را می‌زنند و می‌گویند: رمز پیروزی نهضت نفت، مردمی بودن آن بود و مردمی شدن نهضت، به‌خاطر فعالیت‌های آیت‌الله کاشانی و فداکاری و جانفشانی فدائیان اسلام بود. این سخنان از آن روی ایراد می‌شود که جریانات ملی قدرت بسج توده‌ها را نداشتند. البته آنها هم به میدان آمدند و جبهه ملی تشکیل شد و تلاش‌هایشان از مجلس یازدهم شروع شد، ولی اینکه به نهضتی مردمی تبدیل شوند، چنین توانی را نداشتند. حرکت آنها پرا لمات‌ها بود و موفقیت‌هایی را هم به‌دست آوردند ولی نهضت ملی نفت از جایی مردمی می‌شود که آیت‌الله کاشانی، آیت‌الله خوانساری، سایر علما و فدائیان اسلام به صحنه آمدند. آیت‌الله طالقانی به این نکته اشاره می‌کنند که فدائیان اسلام توانستند با اقدام مهم، به‌ملی شدن صنعت نفت کمک کنند. یکی برداشتن مانع عبدالحسین هژیر بود که پس از اعدام او، انتخابات آزاد برگزار و مجلس شانزدهم تشکیل و صنعت نفت در آن ملی اعلام شد. مانع دیگر، حاجعلی رزم‌آرا بود که سر راه ملی شدن نفت قرار گرفته و رهبران نهضت را هم تهدید می‌کرد. هنگامی که او نیز از میان رفت، نفت ملی شد. در اینجا دکتر مصدق هوشمندی خاصی به خرج داد و هنگامی که به او خبر دادند که رزم‌آرا زنده‌اند، به اتاق کمیسیون نفت رفت و در اتاق را قفل کرد و گفت: همین جا بمانید... و می‌نشینند و کار را تمام می‌کنند و نفت ملی می‌شود. یکی از نکات مهمی که آیت‌الله طالقانی غیراخلاقی، سخنان ایشان را تقطیع و بخش‌های مختلف را به هم وصل کنی تا به نتیجه‌ای که موردنظر خودت هست برسی!

ایشان در مورد صورت مورد اشاره شما، مرحوم آیت‌الله طالقانی در روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ و بر مزار دکتر مصدق، سخنرانی‌ای را ایراد کردند و با نهایت هوشمندی، آن قدر صحبت‌هایشان را طول دادند، که نوبت به دیگران که برای تبلیغات حزبی در آن روز نقشه‌ها چیده بودند، نرسید!امروز بدون آنکه اشاره شود که این سخنرانی در چه شرایطی ایراد شده و اساساً هدف آیت‌الله طالقانی از این صحبت‌ها چه بوده، با تقطیعی ناجوانمردانه، صدر و ذیل سخنان ایشان را حذف می‌کنند که نتیجتاً این تصور پیش آید که آیت‌الله کاشانی و فدائیان‌اسلام در کودتاست داشته‌اند! این نشان می‌دهد که ما هنوز گرفتار توطئه‌های انگلیس هستیم و نتوانستیم ماهیت آن را بشناسیم. البته عده‌ای این برداشت‌ها را به تئوری به تلقی تبدیل کرده و مثلاً می‌گویند: فلان تئورسیسین اصلاحات نیز این سخن را گفته است! خوب باید اشاره کرد که آقای به‌اصطلاح تئورسیسین! شما اگر انصاف داشته باشی، کل ماجرا را تعریف می‌کنی، حداقل آن بخش از سخنان آیت‌الله طالقانی را که می‌خواهی منتشر کنی، کلیت آن را نشر می‌دهی، نه اینکه با این شیوه غیراخلاقی، سخنان ایشان را تقطیع و بخش‌های مختلف را به هم وصل کنی تا به نتیجه‌ای که موردنظر خودت هست برسی!

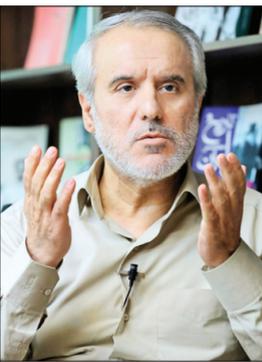
تحلیل شما از سخنرانی آیت‌الله طالقانی در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷از رویارویی‌های ایشان از عملکرد جریانات موجود در نهضت ملی چیست؟

نرم دچار شد، اختلاف‌افکنی بین سران نهضت بود که پس از ۳۰تیر بیشتر آشکار شد. اولویت ما ملی کردن صنعت نفت بود و نباید وارد مسائل دوره جنگ نرم دشمن، ویژگی‌هایی داشت که با اندکی تأمل، می‌توان مختصات آن را به دست آورد و متوجه شد که چه کسانی عملیات آن را هدایت یا مثلاً مطبوعات را در جهت نیل به اهداف آن اداره می‌کردند، فضای مجلس در دست چه کسانی بود؟ چه‌کسی اراذل و اوباش را مدیریت می‌کرد؟ و با هماهنگ‌کننده بازاری‌ها چه‌کسی بود؟ به‌نظر من اینگونه شیوه‌ها به‌ویژه در سالیان اخیر، همچنان مورد‌استخدام دشمنان نظام اسلامی است.

**معمولاً تحریب شخصیت و جایگاه آیت‌الله کاشانی، در فرایند تاریخ‌سازی برای نهضت ملی، یکی از اهداف اصلی اینگونه تولیدات تحریف‌محور است. در این فتره چه دیدگاه دارید؟**

همینطور است. در این‌باره تحریفات ناجوانمردانه‌ای صورت می‌گیرد. بی‌تردید رهبر قیام تاریخی ۳۰تیر، مرحوم آیت‌الله کاشانی است ولی جریان تاریخ‌نگاری موسوم به ملی، نقش ایشان را نادیده می‌گیرد یا تحریف می‌کند. اگر آیت‌الله کاشانی مردم را به حضور در خیابان دعوت و شاه را تهدید نمی‌کرد، که «اگر دکتر مصدق برنگردد، من کفن می‌پوشم و مردم را به طرف دربار هدایت می‌کنم» مصدق چگونه می‌توانست بر گردد؟ قوام آمده بود که کار را تمام کند و از حمایت شاه و انگلستان و آمریکا هم برخوردار بود. آنها دست به کشتار هم زدند و در روز ۳۰تیر، حدود ۷۰-۶۰تفر شهید و عده زیادی مجروح شدند، ولی وقتی آیت‌الله کاشانی به شاه هشدار می‌دهد، او عقب‌نشینی می‌کند.

یکی از مواضعی که نهضت ملی ایران به افت جنگ



**فکر می‌کنم که وقتی با این وقاحت و صراحت سخنان آیت‌الله طالقانی را تقطیع و آیت‌الله کاشانی و شهید نواب صفوی و فدائیان اسلام را همراه کودتا جلوه می‌دهند، می‌توانیم نتیجه‌بگیریم که ما هنوز به‌شدت اسیر جنگ نرم دشمن هستیم؛ در آن دوره جنگ نرم دشمن، ویژگی‌هایی داشت که با اندکی تأمل، می‌توان مختصات آن را به دست آورد و متوجه شد که چه کسانی عملیات آن را هدایت می‌کردند...**

نرم دچار شد، اختلاف‌افکنی بین سران نهضت بود که پس از ۳۰تیر بیشتر آشکار شد. اولویت ما ملی کردن صنعت نفت بود و نباید وارد مسائل دوره جنگ نرم دشمن، ویژگی‌هایی داشت که با اندکی تأمل، می‌توان مختصات آن را به دست آورد و متوجه شد که چه کسانی عملیات آن را هدایت یا مثلاً مطبوعات را در جهت نیل به اهداف آن اداره می‌کردند، فضای مجلس در دست چه کسانی بود؟ چه‌کسی اراذل و اوباش را مدیریت می‌کرد؟ و با هماهنگ‌کننده بازاری‌ها چه‌کسی بود؟ به‌نظر من اینگونه شیوه‌ها به‌ویژه در سالیان اخیر، همچنان مورد‌استخدام دشمنان نظام اسلامی است.

**شما تحریفات تاریخی موجود درباره نهضت ملی را که گاه با وارونه‌نمایی دیدگاه‌های نیرزگانی چون آیت‌الله طالقانی صورت می‌گیرد، درباره جنگ نرم دشمنان قرار دادید. فرایند جنگ نرم در آن روز و امروز چگونه شکل می‌گیرد؟**

در جنگ نرم علیه نهضت ملی، چند اتفاق افتاد که می‌تواند برای امروز ما عبرت‌آموز باشد. تفرندی که دشمن به وسیله آن توانست نهضت ملی نفت را به شکست بکشاند، ایجاد اختلاف در بین مسئولین بود که خودبه‌خود در مردم سر خوردگی و تشتت ایجاد می‌کرد. در آن دوره مردمی که تا دیروز پشت سر آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق حرکت می‌کردند و به حرف آنها گوش فرامی‌دادند، فتره رفته به بی‌تفاوتی کشیده شدند و هر دو رهبر نیز، موقعیت قبلی خود را از دست دادند! خوشبختانه مردم ایران با رهبری امام‌خمینی(ره)، توانستند یکی از ۳انقلاب بزرگ قرن بیستم را رقم بزنند. با این همه ما باید برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی، بتوانیم از تاریخ نهضت ملی درس بگیریم و اشتباهات دوره را تکرار نکنیم.

**نقش رسانه‌های دوره نهضت ملی، در دامن زدن به امواج جنگ نرم و شباهت‌های کارکردی آنها با رسانه‌های امروز چیست؟**

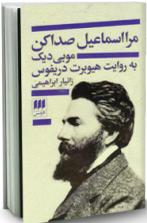
مطبوعات آن دوره در ایجاد فضای تشش، بسیار مؤثر بودند. آنها از دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی، کارکاتوره‌های فوق‌العاده زشتی می‌کشیدند و منتشر می‌کردند. آیت‌الله طالقانی در همان سخنرانی به سابقه درخشان ضداستعماری آیت‌الله کاشانی اشاره می‌کنند. آیت‌الله کاشانی در بین‌النهرین (عراق) امروز، سلاح به‌دست گرفت، علیه انگلیسی‌ها جنگید و از سوی این دولت استعماری محکوم به اعدام شد. آن وقت مطبوعات آن دوره، روی عمame چنین شخصیتهی نقش پرچم انگلیس را می‌زدند تا ایشان را از اعتبار ببندازند! به‌نظر من هم دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی، تحت تأثیر اطرافیانشان قدری نابرداری نشان دادند! با این همه آیت‌الله کاشانی در نامه معروف ۲۷مرداد خود خطاب به دکتر مصدق نوشت: با اینکه مرا لکه حیض کردی، اما بی‌با هم جلوی کودتا بگیریم!اماد دکتر مصدق آن عبارت معروف را می‌نوسد که «من به پشتیبانی ملت منتظرم!»»

هر حال همچنان که دشمنان برای نیل به مقاصد خود، به پشتیبانی ملت منتظرم!»»

سرخان آیت‌الله طالقانی از تقطیع و به میل خود، بازتدوین کرده‌اند، در مورد تمام افراد و جریانات تاریخی نیز این شیوه را به کار می‌گیرند. این ما هستیم که باید هوشیار باشیم و فریب این حیل‌ه‌ها را نخوریم.

تاریخ ادبیات

### مرا اسماعیل صدا کن



کتاب «مرا اسماعیل صدا کن» با زیر عنوان «موبی دیک» به روایت هیوبرت دریفوس، «را‌انبار ابراهیمی به فارسی برگردانده و به تازگی از سوی انتشارات هرمس منتشر شده است. کتاب مرا اسماعیل صدا کن، بازنگری و شرح درخشان «هیوبرت دریفوس» بر رمان «موبی دیک» به با مذاقه‌ای بی‌ظنیر، همه روایت‌های اسماعیل را در دل جهان فلسفی نویسنده شهیر آمریکایی واکاوی می‌کند. دریفوس ماجرای این رمان در تاریخ ادبیات جهان را به دل نایب عهده‌نقش‌اش برده و در لایه‌های مختلف داستان جست‌وجوی می‌کند و پیش می‌رود؛ پیش‌رفتنی که علاوه بر یک تفسیر تاریخی، فلسفی و زیبایی‌شناختی، اهمیت بسیار کتاب موبی دیک و کار بزرگ او در تاریخ ادبیات را نیز به ما یاد آوری می‌کند. رمان «موبی دیک» که بارها از سوی مترجمان مختلفی در ایران به فارسی برگردانده شده است، شاهکار هرمان ملویل و یکی از بزرگ‌ترین آثار در تاریخ ادبیات جهان است. اسماعیل، راوی داستان که به‌گونه‌ای وارد ماجراجویی و سواس‌گونه ناخدا اهاب برای کشتن نهنگ سفید، موبی دیک، شده است، خود را درگیر نبردی مافوق طبیعی میان خیر و شر می‌یابد. هیوبرت دریفوس (زاده ۱۵ اکتبر ۱۹۲۹-۲۲ آوریل ۲۰۱۷) فیلسوف آمریکایی و استاد فلسفه در دانشگاه برکلی در کالیفرنیا بود. زمینه‌های مطالعاتی او در برگیرنده پدیدارشناسی، اگزستانسیالیسیسم، فلسفه روانشناسی و فلسفه ادبیات است. انتشارات هرمس این کتاب ۱۷۰صفحه‌ای را به بهای ۶۸هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ جهان

### پادشاهی بریتانیا



کتاب «پادشاهی بریتانیا» نوشته «نیکول هورتنینگ» را بریسا صداید به فارسی برگردانده و به تازگی از سوی انتشارات ققنوس منتشر شده است. تاریخ آغاز پادشاهی بریتانیا به دوره قرون وسطی و فراتر وایی الفرد کبیرباز می‌گردد. او بر ولکی‌نگ‌هایی که به انگلستان بروش آوردند پیروز شد و سپس به اصلاحات دوران‌دانشده دست زد، در میان همه پادشاهان و ملکه‌های انگلستان فقط او به «کبیر» ملقب شده است. هم‌اکنون حکومت بریتانیا مشروطه سلطنتی است. تصمیمات سیاسی را مقاماتی می‌گیرند که بر آای مردم انتخاب شده‌اند، با اینکه ملکه یا پادشاه در رأس حکومت قرار دارد اما فقط با مشورت پارلمان یا دیگر مقامات تصمیم‌گیری می‌کنند. نظام مشروطه بریتانیا نتیجه تغییراتی است که طی سالیان دراز رخ داده است. هشتاد و ششمین جلد از مجموعه تاریخ جهان انتشارات ققنوس با عنوان «پادشاهی بریتانیا از آغاز تا به امروز» به رویدادهای پادشاهی بریتانیا از دوره قرون وسطی تا دوران معاصر می‌پردازد. «مجموعه تاریخ جهان» انتشارات ققنوس می‌کوشد چشم‌اندازی مجموعه‌ای ارائه زمینه‌های فرهنگی خدادهای تاریخی، خواننده را به مطالعه تاریخ تسویق می‌کند. انتشارات ققنوس کتاب پادشاهی بریتانیا نوشته نیکول هورتنینگ را در ۱۲۰صفحه، به بهای ۶۵هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ ادبیات

### مقلد صدا



کتاب «مقلد صدا» اثر توماس برنهارد را ناصر غیانی به فارسی ترجمه کرده و به تازگی از سوی نشر نو منتشر شده است. برنهارد، نما‌یشنامه‌نویس، رمان‌نویس، روزنامه‌نگار و شاعر اتریشی، از نویسندگان بزرگ زمانه شناخته می‌شود. آثار وی هم تلخ و گزنده‌اند و هم با زبانی نشاط‌بخش و هیجان‌انگیز، تصویری از فساد و تباهی دنیای مدرن، رشد و گسترش تمامیت‌خواهی و تأثیر متقابل واقعیت و نمود، ارائه می‌دهند. در مقلد صدا، برنهارد یکی از تأثیرگذارترین کارهای کمدی سیاه خود را پیش روی خوانندگان می‌گذارد. مجموعه‌ای از داستاتک‌ها که برخی از آنها براساس مواردی است که در گزارش روزنامه‌ها آمده، برخی‌شان از مکالمات با دیگران و برخی‌شان از شایعاتی که سر زبان‌ها افتاده که هجونامه‌ای دقیق، نافذ و گزنده است.

این نویسنده اثر بیست‌ه و نه‌گانه ضربه سهمگینی به خواننده وارد می‌کند. جورج استاینر او را هم‌طراز نویسندگان بزرگی چون کافکا، موزیل و هرمان بروخ می‌داند و جان آ‌پدایک با نویسنندگان بزرگ دیگری چون گوتنر گراس، هاند که و وایس مقایسه‌اش می‌کند.

مقلد صدا، گواهی دیگر است بر آنکه توماس برنهارد از بزرگ‌ترین طنزپردازان سیاه دوران ماست. نشر نو کتاب مقلد صدا نوشته توماس برنهارد را با ترجمه ناصر غیانی در ۲۵ صفحه، به بهای ۵۵هزار تومان منتشر کرده است.